

رابطه ویژه آمریکا و اسرائیل: پژوهشی در باره پیشینه، ماهیت و گستره این رابطه

فرهاد عطایی*

دانشیار گروه روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

زهرا عالی

کارشناس ارشد روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۱۰/۱۳ - تاریخ تصویب: ۱۳۸۷/۱۲/۴)

چکیده:

حمایت‌های آمریکا از اسرائیل از عوامل اصلی تاسیس و تداوم حیات این کشور در منطقه خاورمیانه بوده است که در سایه جانبداری و کمک‌های ایالات متحد آمریکا به کشوری قدرتمند تبدیل شده است. این مقاله تلاشی است برای بررسی و شناخت "روابط ویژه" که بین دو کشور وجود دارد. پس از بحثی در باب حمایت دولت‌های آمریکا و افکار عمومی این کشور از جنبش صهیونیسم و دعای یهودیان در مورد استقرار حاکمیت یهود در فلسطین در سال‌های پیش از تشکیل کشور اسرائیل، کمک‌های گسترده و نامتعارف آمریکا به این کشور از ابعاد اقتصادی، نظامی و سیاسی بررسی و امتیازات خاص اسرائیل در بهره‌مندی از این کمک‌ها نشان داده می‌شود. در بخش پایانی با بهره‌گیری از یافته‌های نظرسنجی‌های متعدد، حمایت مردم و افکار عمومی ایالات از کشور اسرائیل بررسی خواهد شد.

واژگان کلیدی:

ایالات متحد آمریکا، صهیونیسم، اسرائیل، کمک خارجی، افکار عمومی

مقدمه

رئیس جمهور آمریکا، جان اف. کندی در دسامبر ۱۹۶۲ به گلدا مایر، نخست وزیر اسرائیل گفت: "آمریکا با اسرائیل روابطی ویژه دارد که تنها با رابطه خاص آمریکا و بریتانیا در عرصه وسیع جهانی قابل مقایسه است." ۱۵ سال بعد، جیمی کارتر در ۱۹۷۷ همان نظر را تکرار کرد: "ما با اسرائیل رابطه‌ای ویژه داریم" (Gilboa, 1987:1). آیا به راستی رابطه‌ای خاص میان آمریکا و اسرائیل وجود دارد؟

اگر چه از یک نظر "همه روابط دو جانبه منحصر به فرد است" (Eich, 1995:3)؛ اما وقتی صحبت از "رابطه ویژه" آمریکا و اسرائیل به میان می‌آید در واقع منظور رابطه‌ای بی نظیر است که آمریکا با اسرائیل برقرار کرده و بارزترین جلوه آن از همان ابتدا در حمایت‌های سیاستمداران و افکار عمومی آمریکا از جنبش صهیونیسم و بعدها کشور اسرائیل مشهود است. به طور کلی، حمایت‌های آمریکا از اسرائیل و کمک آن به یهودیان را می‌توان در دو مرحله مشاهده کرد:

۱. قبل از برپایی "دولت یهود" در مه ۱۹۴۸ که در این دوره بیشتر حمایت‌های سیاسی و معنوی مقامات و افکار عمومی آمریکا از جنبش صهیونیسم مد نظر است. به رسمیت شناختن کشور اسرائیل نقطه اوج این مرحله است.

۲. از ۱۹۴۸ به بعد که کمک‌های ایالات متحد آمریکا به دولت اسرائیل شکلی متنوع‌تر و پیچیده‌تر یافته و در سه بعد اقتصادی، نظامی و سیاسی - دیپلماتیک قابل مشاهده و تفکیک است. در کنار این‌ها، کشور اسرائیل همواره از جریان مداوم پشتیبانی و همراهی افکار عمومی آمریکا هم برخوردار بوده است.

مقاله حاضر بر آن است تا با بررسی حمایت‌های مردم و دولتمردان آمریکا از یهودیان در این دو مقطع زمانی، تا حد ممکن تصویری روشن و جامع از ماهیت و ابعاد رابطه منحصر به فرد و نامتعارف ایالات متحد آمریکا با یهودیان و اسرائیل ارائه کند - که از آن باعنوان "روابط ویژه" یاد می‌شود. ابتدا پشتیبانی و حمایت افکار عمومی و سیاستمداران آمریکا از جنبش صهیونیسم تا پیش از سال ۱۹۴۸ بررسی می‌شود. در ادامه، کمک‌های گوناگون دولت آمریکا به اسرائیل و جانبداری مردم و افکار عمومی این کشور از اسرائیل در سال‌های پس از تاسیس آن، با تکیه بر آمار و ارقام و نتایج نظرسنجی‌ها مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱- مرحله اول: پشتیبانی از جنبش صهیونیسم

جایگاه خاص اسرائیل در ذهن آمریکایی‌ها مقدم بر پیدایش آن به عنوان یک کشور است. بیانیه‌های حمایت از آرزوهای ملت یهود برای بازگشت به صهیون را می‌توان از اوایل قرن

نوزدهم میلادی و زمان ریاست جمهوری جان آدامز مشاهده کرد (Gilboa, 1987:9). او در سال ۱۸۱۹ در نامه ای به مانوئل نوح (Manuel Noah) آرزوی خود را در مورد تجدید حیات ملت یهود و تسلط آنها بر سرزمین فلسطین بیان کرد (www.sulivson-country.com/Feldberg, id2/adams-jews.htm).

از اواخر قرن نوزدهم میلادی، به ویژه پس از برپایی کنگره صهیونیست ها در شهر بال سوئیس (۱۸۹۷) و آغاز مبارزه جدی و طولانی یهودیان برای تاسیس "وطن ملی" در فلسطین، حمایت آمریکا از اهداف جنبش صهیونیسم نیز نمایان تر شد. ویلسون، نخستین رئیس جمهور آمریکا که از اندیشه بازگشت یهودیان به فلسطین به عنوان "وطن ملت یهود" دفاع کرد؛ تاثیر بسیار در پیشبرد این جنبش داشت (Christison, 1999:27). او اعلامیه بالفور، وزیر امور خارجه بریتانیا در حمایت از تشکیل دولت یهودیدر سرزمین فلسطین را حتی قبل از صدور رسمی آن در نوامبر ۱۹۱۷ تایید کرد و نقشی عمده در اعلان آن داشت. اگر پشتیبانی او و دولت ایالات متحد آمریکا نبود، دولت بریتانیا حاضر به صدور این اعلامیه نمی شد (احمدی، ۱۳۷۷: ۲۲۴). بعد از انتشار اعلامیه هم ویلسون در موقعیت های مختلف، از جمله در نامه ای به استفن وایز - از رهبران جنبش صهیونیسم در آمریکا- در اوت ۱۹۱۸، با صراحت مواضع خودش را در موافقت با مفاد اعلامیه بالفور اعلام کرد (Neff, 1995:16).

در این دوره، علاوه بر سیاستمداران آمریکایی سایر اقشار و گروه های مطلع هم حامی یهودیان و برنامه های صهیونیست ها بودند. "بررسی و مطالعه مقالات مربوط به فلسطین در نشریات آمریکا - واشینگتن پست، نیویورک تایمز، لس آنجلس تایمز و شیکاگو تریبون- در ۱۹۱۷ نشان می دهد که عقاید نویسندگان مقالات و اعضای شورای سردبیری آنها تقریباً به طور عام طرفدار پروژه صهیونیسم بود و حاکمیت مسلمانان/ترکان را [بر فلسطین] محکوم می کردند" (Christison, 1999:38).

نمایندگان مجلس های قانونگذاری آمریکا هم در مورد برپایی دولت یهودیان و اسکان آنها در فلسطین بی تفاوت نبودند. در سپتامبر ۱۹۲۲ کنگره آمریکا به اتفاق آراء قطعنامه لاج-فیش (Lodge-Fish) را در تایید اعلامیه بالفور تصویب کرد: "ایالات متحد از تاسیس وطن ملی برای ملت یهود در سرزمین فلسطین حمایت می کند" (Reich, 1995:79). صهیونیست ها با صدای بلند این قطعنامه را اعلامیه بالفور دیگر نامیدند. این قطعنامه را هاردینگ، رئیس جمهور وقت آمریکا، هم امضا کرد (Neff, 1995:17).

روزولت نیز در حمایت از صهیونیست ها ادامه دهنده راه دولت های قبلی آمریکا بود. او در مبارزات انتخاباتی خود برای ریاست جمهوری در سال ۱۹۴۴ اعلام کرد که از مهاجرت نامحدود یهودیان به فلسطین و از هر سیاستی که به تاسیس کشوری مشترک المنافع،

مردمسالار و آزاد منتهی شود حمایت خواهد کرد (هلال، ۱۳۸۳:۱۲۴). او در اوایل دهه ۱۹۴۰ حتی طرحی را در نظر داشت که بر اساس آن همه فلسطین تحت کنترل یهودیان قرار می گرفت و تمامی جمعیت عرب آن به عراق انتقال می یافت (Neff, 1995:21). اگرچه در این دوره ضرورت های فوری تر مربوط به جنگ جهانی دوم - از جمله پرهیز از برانگیختن دشمنی اعراب با بریتانیا و تغییر موازنه به نفع آلمان - باعث می شد که آمریکا کمتر به موضع گیری علنی و اقدامات عملی به نفع یهودیان پردازد، این ملاحظات به سیاست های کلی دولت آمریکا در حمایت از صهیونیسم خللی وارد نساخت (Christison, 1999:47).

در حقیقت، بعد از انتشار گزارش رسمی دولت بریتانیا در ۱۹۳۹ و چرخش جدی صهیونیست ها به سمت آمریکا، به ویژه بعد از برپایی کنفرانس صهیونیست ها در هتل "بیلت مور" نیویورک در ۱۹۴۲، دولت آمریکا حمایت کامل خود را از سیاست جدید جنبش صهیونیسم برای تبدیل فلسطین به یک کشور یهودی اعلام کرد (احمدی، ۱۳۷۷:۲۵۴). مردم آمریکا نیز به ادعاهای صهیونیست ها در باره فلسطین نگاهی مثبت داشتند. نظر افکار عمومی این کشور در مورد ادعاهای متضاد اعراب و اسرائیل بر سر فلسطین نخستین بار در دسامبر ۱۹۴۴ بررسی شد. نظر سنجی مشابهی یک سال بعد صورت گرفت. نتایج این نظرسنجی ها نشان داد که اغلب آمریکایی ها از تاسیس دولت یهودی در فلسطین حمایت می کردند. در دوره مورد بحث، درباره سرنوشت فلسطین در مجمع عمومی سازمان ملل در ۱۹۴۷ نیز افکار عمومی آمریکا با نسبت ۶۵٪ (موافق) به ۱۰٪ (مخالف) از طرح تقسیم سرزمین فلسطین میان فلسطینیان ساکن و صهیونیستها حمایت می کرد. به طور کلی نظر سنجی های به عمل آمده از ۱۹۴۴ تا ۱۹۴۸ حمایت قاطع مردم آمریکا از مهاجرت آزادانه یهودیان به فلسطین و تاسیس دولتی مستقل در آن جا را نشان داده است (Gilboa, 1987:15,18, 21). "در طول این دوره، اعراب سهم بیشتر از سرزنش ها را به دلیل ایجاد اختلاف و تنش در منطقه به خود اختصاص دادند (Reich, 1995:86).

در دوره ریاست جمهوری ترومن که از سال ۱۹۴۵ و به دنبال درگذشت روزولت آغاز شد حمایت آمریکا از یهودیان و اهداف صهیونیست ها برای استقرار در فلسطین به اوج رسید. او در سال ۱۹۴۵ در نامه ای به اتلی، نخست وزیر انگلستان، از او خواست با تقاضای صهیونیست ها برای ورود صد هزار مهاجر جدید به فلسطین موافقت کند. این فشارها بر انگلستان در ۱۹۴۶ هم ادامه داشت (احمدی، ۱۳۷۷:۲۳۰). همچنین در پاییز ۱۹۴۶ "در یوم کیپور^۱ بیانیه ای صادر کرده و از طریق آن مهاجرت یهودیان به فلسطین و تاسیس دولت اسرائیل را در

^۱ Yom Kippur، از روزهای مقدس یهودیان که در آن از خوردن و آشامیدن اجتناب می کنند و به عبادت می پردازند.

حاکم فلسطین مورد تایید قرار داد" (قربانی، ۱۳۷۹:۸۳). در هنگام بحث درباره سرنوشت فلسطین در مجمع عمومی سازمان ملل، ترومن - به رغم مخالفت های وزرای خارجه و دفاع و با وجود اطلاع از واکنش و تلافی جویی اعراب- در رای گیری روز ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ با طرح تقسیم فلسطین موافقت کرد (Finkelstein, 1998:39-40). سازمان ملل هم تحت نفوذ آمریکا و متحدان آن این طرح را تصویب کرد.

صهیونیست ها در ۱۴ مه ۱۹۴۸ با برخورداری از پشتیبانی و تایید آمریکا و بر اساس رای سازمان ملل، استقلال کشور اسرائیل را اعلام کردند. یازده دقیقه بعد از اعلام استقلال کشور جدید، ایالات متحد بیانیه رسمی شناسایی اسرائیل را صادر کرد (Finkelstein, 1998:39-45) و نخستین کشوری شد که موجودیت آن را به رسمیت شناخت. این رویداد به عنوان نقطه اوج حمایت دیپلماتی آمریکا از دولت یهود از زمان برپایی جنبش صهیونیسم، سنگ بنای پشتیبانی های گسترده تر و عمیق تر آمریکا از اسرائیل را گذارد؛ همان که بعدها از آن باعنوان "روابط ویژه" یاد شده است. اگرچه کشورهای دیگر هم تولد اسرائیل را مورد شناسایی قرار دادند، اگر آمریکا اسرائیل را به رسمیت نمی شناخت و از تاسیس و تولد آن حمایت نمی کرد، امکان نداشت اسرائیل بتواند به حیات خود ادامه دهد" (Organski, 1990:121). از سال ۱۹۳۹ و با کنار رفتن بریتانیا، آمریکا به مهمترین حامی صهیونیست ها تبدیل شد. در واقع، ترومن با شناسایی سریع اسرائیل و برغم مخالفت های موجود میان سیاستمداران آمریکایی، نقش اصلی را در تاسیس دولت یهودی ایفا کرد (Mearsheimer and Walt, 2007:24). به بیان والتر ایتان، مورخ و دیپلمات اسرائیلی: "بدون شناسایی اسرائیل از طرف آمریکا دولتی وجود نداشت. اگر دولت های دیگر اسرائیل را به رسمیت نمی شناختند، موجودیت اسرائیل از بین می رفت. پس شناسایی سریع دولت اسرائیل از طرف دولت های بزرگ دنیا واجد اهمیت خاص امنیتی برای اسرائیل بود ... شناسایی آمریکا معجزه ای بود که به تولد دولت اسرائیل انجامید" (قربانی، ۱۳۷۹: ۹).

۲- مرحله دوم: جانبداری از کشور اسرائیل

حمایت های آمریکا از اسرائیل در دوره پس از تشکیل این کشور در دو بخش قابل ملاحظه است: کمک های دولت آمریکا به اسرائیل و پشتیبانی مردم و افکار عمومی آمریکا از آن کشور.

۲-۱. کمک های دولت آمریکا به اسرائیل

روشن ترین نمود پشتیبانی و حمایت آمریکا از اسرائیل را می توان در میزان و نوع کمک های آن به آن کشور ملاحظه کرد. از ۱۹۴۸ تاکنون این کمک ها به تدریج افزایش یافته، ابعادی جدید پیدا کرده و وضعیتی خاص داشته است. در این دوره، ایالات متحد آمریکا با ارائه مقادیر عظیم کمک به این کشور بقای آن را به عنوان یک موجودیت سیاسی و اقتصادی در میان ملت های عرب تضمین کرده است. آمریکا در برخورد با اسرائیل امتیازاتی ویژه هم برای این کشور قائل بوده است، به گونه ای که "در تخصیص کمک های نظامی و اقتصادی آمریکا به کشورهای دیگر، همواره با اسرائیل به عنوان "موردی خاص" رفتار شده است" (El-Khawas, 1984: 27). مجموع کمک ها به این کشور تقریباً یک سوم بودجه کمک خارجی آمریکا را تشکیل می دهد. این در حالی است که اسرائیل تنها یک هزارم جمعیت جهان را داراست و در حال حاضر یکی از بالاترین درآمدهای سرانه در جهان را دارد. (Zunes, <http://wrmea.com/us-aid-to-israel/index.htm>). در واقع، در سایه کمک و حمایت های آمریکا اسرائیل به کشوری پیشرفته از نظر اقتصادی و نظامی تبدیل شده است.

مبلغ کل کمک های ایالات متحد به اسرائیل بیشتر از مجموع کمک های این کشور به اروپای غربی در قالب طرح مارشال بوده است، در حالی که جمعیت اسرائیل به زحمت به ۲٪ جمعیت آن زمان اروپا می رسد (Ball, 1992:256). از ۱۹۴۹ تا ۲۰۰۶، مجموع کمک های دولتی آمریکا به اسرائیل در قالب برنامه های مختلف بیش از ۱۰۱ میلیارد دلار بوده است (www.fas.org/sgp/crs/mideast/RL33222.pdf) که قسمت عمده آن را کمک های نظامی و اقتصادی تشکیل داده می دهد. البته این مبلغ بدون در نظر گرفتن وجوهی است که اسرائیل به طرق دیگر از دولت آمریکا، در کنار شهروندان و بخش خصوصی این کشور، دریافت می کند. تا آنجا که به گفته جوزف هارش (Joseph Harsch) مجموع کمک های آمریکا به اسرائیل سالانه چیزی حدود ۱۰ میلیارد دلار است (Curtiss, 1982:2). میزان زیاد کمک های آمریکا به اسرائیل به ویژه زمانی روشن تر می شود که توجه داشته باشیم مجموع کمک های آلمان - که بعد از آمریکا، بزرگ ترین کشور کمک دهنده به اسرائیل بوده است - در همه انواع آن، از ۱۹۴۵ به بعد حدود ۳۱ میلیارد دلار بوده است (Curtiss, www.wrmea.com).

۲-۱-۱ کمک های اقتصادی - مالی آمریکا به اسرائیل

از زمان تاسیس اسرائیل تا اوایل دهه ۱۹۶۰ کمک اقتصادی بخش عمده کمک های آمریکا به این کشور را تشکیل می داد. از سال ۱۹۴۹ تا ۱۹۶۵ تقریباً ۶۳ میلیون دلار کمک سالانه که

بیشتر از ۹۵٪ آن به شکل کمک اقتصادی و غذایی بود؛ به اسرائیل داده شد (Mearsheimer and Walt, 2007:26).

بخش زیادی از این کمک های مالی به صورت بلاعوض بوده که اسرائیل نیازی به بازپرداخت آنها نداشته است. از مجموع ۵۰۷/۲ میلیون دلار کمک اقتصادی از ۱۹۵۳ تا ۱۹۶۱، مبلغ ۲۵۸/۹ میلیون دلار آن به صورت کمک بلا عوض بود. بین سال های ۱۹۶۲ و ۱۹۷۲، از میزان این کمک های بلا عوض کاسته شده و ارائه وام برای خرید تجهیزات نظامی از آمریکا جای آن را گرفت. اما از سال ۱۹۷۲ به بعد، برای کمک به رفع مشکلات اقتصادی اسرائیل و عدم توانایی آن برای قبول تعهدات مالی، میزان کمک های بلا عوض به شدت افزایش یافت (El-Khawas, 1984:51,48). از سال ۱۹۸۴ هم به منظور کاستن از فشار وارد بر اقتصاد اسرائیل ناشی از ضرورت بازپرداخت وام های دریافتی، بسیاری از وام ها بخشوده شده و آمریکا ترجیح داده است به جای آنها کمک های بلا عوض بیشتر به اسرائیل ارائه دهد (Organski, 1990:149). در این سال زمانی که اسرائیل در آستانه بازپرداخت وام های قبلی قرار گرفت آمریکا با بازسازی و تغییر ساختار کمک هایش به این کشور آنها را از وام به کمک بلاعوض تغییر داد (Reich, 1995:92-93). این تغییر - که به "اصلاحیه کرانستون" معروف است - حاصل مصوبه پیشنهادی سناتور آلن کرانستون بود که بر اساس آن اسرائیل این تضمین را دریافت کرد که برای انجام تعهدات مالی خود در قبال آمریکا کمک لازم را از آن کشور دریافت خواهد کرد (فیندلی، ۱۳۷۸: ۱۲۲).

به عبارت دیگر، کمک های مالی به اسرائیل هرگز کمتر از میزان بدهی آن کشور به آمریکا نخواهد بود. به این ترتیب از ۱۹۸۵ آمریکا تامین ۱/۳ میلیارد دلار کمک اقتصادی بلاعوض سالانه را برای اسرائیل آغاز کرده است که این میزان معادل مبلغ بازپرداخت وام های قبلی است که این کشور از آمریکا دریافت کرده است (Rubin and Keaney, 2001:147) و این بدان معنی است که در این مدت "حتی یک سنت از کمک های آمریکا به اسرائیل بازپرداخت نشده است" (فیندلی، ۱۳۷۸: ۱۲۲).

از ۱۹۹۸ میزان کمک های اقتصادی آمریکا به اسرائیل کاسته و بر میزان کمک های نظامی آن افزوده شد. این امر نتیجه خواست و پیشنهاد اسرائیل و توافق دولت کلینتون و کنگره بوده است که بر اساس آن، مجموعه ۱/۲ میلیارد دلاری کمک سالانه اقتصادی به اسرائیل هر سال به میزان ۱۲۰ میلیون دلار کاهش میابد و بر میزان کمک های نظامی افزوده می شود (Bard, www.Jewishvirtuallibrary.org/jsourc/us-israel/roots-of-the-us-israel.html).

از ۱۹۷۶ به بعد اسرائیل دریافت کننده بزرگترین سهم کمک های مالی سالانه آمریکا و آمریکا بزرگ ترین اهدا کننده کمک مالی به این کشور بوده است (Reich, 1995:99-100).

ایالات متحد آمریکا روی هم از ۱۹۴۹ تا ۲۰۰۷، مبلغ ۳۲۴۱۳/۵ میلیون دلار کمک اقتصادی به اسرائیل ارائه داده است که از این مقدار در حدود ۱۵۱۷ میلیون دلار به شکل وام (www.jewishvirtuallibrary.org/jsourc/US-Israel/U.S.-Assistance-to-israel.html) و ۳۰۸۹۷ میلیون دلار به صورت بلاعوض بوده است (www.fas.org/ggp/crs/mideast/RL33222.pdf).

۲-۱-۲. کمک های نظامی - تسلیحاتی آمریکا به اسرائیل

اگرچه در دهه های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ کمک نظامی آمریکا به اسرائیل در قیاس با کمک های اقتصادی بسیار کمتر بوده و میزان آن به ویژه از دهه ۱۹۷۰ به بعد افزایش یافت. آمریکا از ابتدا کمک نظامی هم - هر چند به طور غیر مستقیم - برای اسرائیل فراهم می ساخت. از سال ۱۹۴۷، به دلیل نگرانی از بر هم خوردن موازنه قوا به نفع اعراب در صورت بروز جنگ با اسرائیل و اجتناب از درگیری در جنگ احتمالی میان آن ها، آمریکا ارسال سلاح به فلسطین و کشور های همسایه آن را تحریم کرد (Gilboa, 1987:22, 24). اما عملاً کمک های مالی آمریکا به اسرائیل زمینه تامین نیاز های نظامی آن را فراهم می ساخت. همان طور که بعدها بن گوریون اعلام کرد، خرید اسلحه از مسکو و پاریس با هماهنگی و حمایت خود آمریکایی ها انجام می گرفت: "مسکو و پاریس از ما دلار می خواستند و آن هم تنها در یک کشور موجود بود. ما بسیاری از دلارها را از آمریکا گرفتیم." علاوه بر این، حتی بسیاری معتقدند که تسلیحات زیادی هم در سال های تحریم رسمی به شکل محرمانه و غیر قانونی از آمریکا به اسرائیل ارسال شد تا در جنگ با فلسطینی ها آنها را به کار برد (قربانی، ۱۳۷۹: ۸۷-۸۶). به گفته ویلیام اچ. مات، اسرائیل در طول "جنگ استقلالش" و بین سال های ۵۲-۱۹۵۱ تسلیحات نظامی از آمریکا دریافت کرد. واشینگتن همچنین برای خرید هواپیمای فرانسوی در ۱۹۵۴ به اسرائیل کمک هزینه داد. او روی هم از ۹۴/۵ میلیون دلار کمک نظامی آمریکا به اسرائیل بین سال های ۱۹۴۶ تا ۱۹۵۵، و یک کمک دیگر ۱۸۹/۱ میلیون دلاری از ۱۹۵۶ تا ۱۹۶۵ صحبت می کند (Mearsheimer and Walt, 2007:361). گزارشی دیگر هم نشان می دهد که واشینگتن بین سال های ۱۹۴۸ تا ۱۹۶۲ مقادیری سلاح های نیمه سنگین و سبک به اسرائیل فروخته است (نداء القدس، ۱۳۷۹: ۱۰).

کمک های نظامی به اسرائیل از ۱۹۶۲ افزایش چشمگیر یافت و در سال های ۱۹۶۲ تا ۱۹۷۶ به ۵/۹ میلیارد دلار رسید. در این دوره، کمک نظامی ۷۵٪ کل کمک های آمریکا به اسرائیل را تشکیل می داد. فروش رسمی سلاح به اسرائیل را از ۱۹۶۲ جان کنندی آغاز کرد. در این سال آمریکا با فروش سامانه های موشکی زمین به هوای هاگ به اسرائیل موافقت کرد (نداء القدس، ۱۳۷۹: ۱۰). برای مخفی نگه داشتن این کمک و جلوگیری از واکنش جهان عرب این

تانک‌ها را آلمان غربی به اسرائیل ارسال کرد (Mearsheimer and Walt, Ibid, 2007:25). "به دنبال جنگ ۱۹۷۳ کمک‌ها به اسرائیل تقریباً ۵ برابر شد" (2007:26) و از سال ۱۹۷۴ کمک نظامی بلاعوض هم شدیداً افزایش پیدا کرد. در این سال از مجموع ۲/۵ میلیارد دلار کمک نظامی، ۱/۵ میلیارد دلار به صورت بلاعوض بود (El-Khawas, 1984:33,38). در طول ده سال بعد آمریکا ۶/۴ میلیارد دلار کمک بلاعوض و ۸/۸ میلیارد دلار وام نظامی برای اسرائیل فراهم کرد. از ۱۹۸۵ به بعد سالانه مبلغ ۱/۸ میلیارد دلار کمک بلاعوض نظامی (در کنار ۱/۲ میلیارد دلار کمک بلاعوض اقتصادی) به اسرائیل اختصاص یافت (Reich, 1995: 93).

در مجموع، از سال ۱۹۴۹ تا ۲۰۰۷ آمریکا تقریباً مبلغ ۶۴۸۵۶ میلیون دلار کمک نظامی برای اسرائیل فراهم کرده است که ۱۱۲۱۲/۵ میلیون دلار آن به شکل وام ([www.jewishvirtuallibrary.org/jsourc/US-\(Israel/U.S.-Assistance-to-israel.html](http://www.jewishvirtuallibrary.org/jsourc/US-(Israel/U.S.-Assistance-to-israel.html)) و ۵۳۶۴۳/۴ میلیون دلارش کمک بلاعوض نظامی بوده است (Sharp, 2008). حاصل اصلی این کمک‌ها - با تجهیز اسرائیل به پیشرفته‌ترین سلاح‌های آمریکایی - تامین برتری نظامی بی سابقه اسرائیل در منطقه بوده است، تا جایی که "امروزه عمده حمایت آمریکا از اسرائیل تعهد این کشور به حفظ برتری نظامی اسرائیل در خاور میانه است" (Mearsheimer and Walt, 2007:32).

۲-۱-۳ شرایط و امتیازات خاص کمک‌های آمریکا به اسرائیل

آن‌چه اسرائیل را از سایر دریافت‌کنندگان کمک‌های خارجی آمریکا متمایز می‌سازد، علاوه بر میزان آن، شرایط این کمک‌ها و امتیازات خاص است که در این زمینه به اسرائیل ارائه شده است. این شرایط به روشنی حکایت از بی سابقه و منحصر به فرد بودن رابطه آمریکا با اسرائیل و کمک‌هایش به این کشور دارد. اهمیت این امتیازات زمانی بیشتر می‌شود که توجه داشته باشیم "اسرائیل اکنون یک قدرت صنعتی مدرن است" که از نظر درآمد سرانه در سال ۲۰۰۶ در رتبه ۲۹ دنیا قرار داشت (Mearsheimer and Walt, 2007:300). تولید ناخالص داخلی این کشور کم جمعیت از مجموع تولید ناخالص داخلی کشورهای مصر، لبنان، سوریه، اردن، کرانه غربی اردن و نوار غزه بالاتر است و با درآمد سرانه حدود ۱۴۰۰۰ دلار، بالاتر از کشور ثروتمند و برخوردار از درآمد‌های سرشار نفت عربستان قرار می‌گیرد (Zunes, <http://wrmea.com/us-aid-to-israel/index.htm>). با این حال، این کشور مرفه بزرگ‌ترین دریافت‌کننده کمک‌های آمریکا است و هر ساله مبالغی را دریافت می‌کند که بر کمک‌های آمریکا به کشورهای فقیری چون بنگلادش، بولیوی، و لیبریا پیشی می‌گیرد. کمک مستقیم سالانه ۳ میلیارد دلاری آمریکا به اسرائیل به طور متوسط برابر است با سالانه بیش از ۵۰۰ دلار برای هر

فرد اسرائیلی. در حالی که مصر سالانه برای هر فرد تنها ۲۰ دلار از آمریکا دریافت می کند و کشور فقیری چون پاکستان تنها ۵ دلار (Mearsheimer and Walt, 2007:300, 26).

آمار دیگر نشان می دهد که در مقابل هر دلار که آمریکا به یک نفر از جمعیت آمریکای لاتین و کشورهای کاراییب اختصاص داده، ۲۱۴ دلار به یک اسرائیلی داده است. همچنین، مجموع کمک های آمریکا به همه کشورهای آفریقای مرکزی، آمریکای لاتین و حوزه کاراییب - از ۱۹۴۹ تا ۱۹۹۶ - حدوداً ۶۲۴۹۷/۸ میلیون دلار بوده است، در حالی که در همین دوره اسرائیل به تنهایی ۶۲/۵ میلیارد دلار دریافت کرده است (Curtiss, www.wrmea.com).

مقایسه کمک های آمریکا به اسرائیل با کمک این کشور به مصر نکات مهم دیگر را نیز آشکار می سازد. از کل مبلغ کمک خارجی آمریکا، اسرائیل ۲۸٪ و مصر ۲۰٪ دریافت می کنند (Ball, 1992:256). مصر - که از زمان امضای پیمان کمپ دیوید در رده دوم، بزرگ ترین دریافت کنندگان کمک های خارجی آمریکا، بعد از اسرائیل بوده است (Sullivan, 1996:36) - همواره دو سوم کمک های آمریکا به اسرائیل را دریافت کرده است؛ در مجموع مبلغی در حدود ۴۵/۶ میلیارد دلار، یا سالانه ۲/۲ میلیارد دلار (Curtiss, www.wrmea.com). علی رغم قول دولت آمریکا به سادات مبنی بر اختصاص کمک های برابر با اسرائیل به مصر، کنگره توانسته است میزان کل کمک های آمریکا به این کشور را در حدود ۷۰٪ کمک های داده شده به اسرائیل نگه دارد (Mearsheimer and Walt, 2007:268). به علاوه، در حالی که اسرائیل سالانه ۱/۸ میلیارد دلار کمک بلا عوض نظامی و ۱/۲ میلیارد دلار کمک بلا عوض اقتصادی دریافت می کند، این مبلغ برای مصر به ترتیب ۱/۳ میلیارد دلار کمک نظامی و ۸۱۵ میلیون دلار کمک اقتصادی است (Sullivan, 1996:37). نکته مهم دیگر این است که به طور کلی کمک آمریکا به مصر (و اردن) هم در حقیقت بخشی از کمکی است که آمریکا به اسرائیل ارائه می دهد، زیرا این کمک ها در واقع پاداش "رفتار خوب" این کشورها و به طور مشخص، موافقتشان با امضای قرارداد های صلح با اسرائیل بوده است (Mearsheimer and Walt, 2007: 31).

از طرف دیگر، آمریکا هرگز بدون در نظر گرفتن ملاحظات اسرائیل به اعراب کمک نمی کند. فروش سلاح به کشور عرب منطقه - همانطور که در ۱۹۸۳ و هنگام فروش هواپیماهای آواکس به عربستان اتفاق افتاد - عموماً به قرارداد فروش دیگر با اسرائیل، یا افزایش فروش به این کشور منتهی می شود (El-Khawas, 1984:93, 130).

اسرائیل همواره از حمایت های خاص کنگره آمریکا هم برخوردار بوده است. در حالی که کنگره دائماً با کمک آمریکا به کشورهای دیگر مخالفت کرده و مبالغ آنها را تا حد ممکن کاهش می دهد؛ همواره پشتیبان کمک های آمریکا به اسرائیل بوده است (Organski, 1990: 79). کنگره همواره مجموعه کمک های اضافی را علاوه بر کمک سالانه دولتی به اسرائیل، تصویب

می کند؛ برای مثال، کمک اضافی ۱ میلیارد دلاری در سال ۲۰۰۳ جهت کمک به اسرائیل برای آماده شدن در جنگ با عراق (Mearsheimer and Walt, 2007:26). گاهی هم شرایط کمک ها را به نفع اسرائیل تغییر می دهد؛ در حالی که رونالد ریگن برای سال مالی ۱۹۸۴ تقاضای ۷۸۵ میلیون دلار کمک بلاعوض اقتصادی برای اسرائیل کرده بود، کنگره ۹۱۰ میلیون دلار را برای این منظور تصویب کرد (El-Khawas, 1984: 51). مهم ترین شکل کمک کنگره به اسرائیل "اصلاحیه کرانستون" و بخشودگی همه وام های این کشور و تبدیل آنها به کمک بلاعوض (از ۱۹۸۴ به بعد) بوده است.

در مورد شکل دریافت کمک ها هم اسرائیل نسبت به سایر کشور ها از امتیازاتی خاص برخوردار است. این کشور تنها دریافت کننده کمک های اقتصادی آمریکا است که مجبور نیست درباره چگونگی مصرف مبالغ دریافتی پاسخگو باشد یا توضیح بدهد. اسرائیل آزاد است تقریباً هر طور که می خواهد از هدایا و کمک های دریافتی استفاده کند. همچنین، بر خلاف دیگر کشور ها که کمک آمریکا را به صورت قسطی دریافت می کنند، اسرائیل همه مبلغ کمک را یکجا در اکتبر هر سال تحویل می گیرد (Melman, 1994:260).

امتیاز منحصر به فرد دیگر اسرائیل این است که علی رغم این که معمولاً دریافت کنندگان کمک نظامی آمریکا ملزم هستند همه مبلغ دریافت شده را در ایالات متحد آمریکا خرج کنند، کنگره معافیتی خاص از این نظر برای اسرائیل قائل شده است که به این کشور اجازه می دهد حدود ۱ دلار از هر ۴ دلار کمک نظامی آمریکا را به عنوان کمک هزینه به صنایع دفاعی خودش اختصاص دهد. به این ترتیب، اسرائیل مجبور نیست تمام اعتبارات دریافتی را صرف خرید اقلام نظامی آمریکا بکند (Mearsheimer and Walt, 2007:315; Ball, 1992:260).

بعد خاص دیگر رابطه آمریکا با اسرائیل کمک این کشور به طرح های تسلیحاتی اسرائیل است که از ۲۲ ژوئیه ۱۹۷۷ شروع شد - زمانی که کارتر با اضافه شدن ۱۰۷ میلیون دلار به مبلغ کمکی آمریکا به اسرائیل موافقت کرد تا اسرائیل بتواند تانک مرکاوا را در داخل اسرائیل بسازد (Ball, 1992:264). آمریکا حدود ۳ میلیارد دلار کمک برای توسعه سلاح های اسرائیلی مانند هواپیمای لاوی، تانک مرکاوا و موشک آرو فراهم کرده است، در حالی که خود بی نیاز از این سلاح ها بود و هرگز قصد خرید آنها را نداشت (Mearsheimer and Walt, 2007:32). همچنین، کمک به اسرائیل قدرت رقابت صنایع نظامی و محصولات این کشور را با تولیدات آمریکا افزایش داده است و این با اصلی اساسی که از ابتدا بر برنامه کمک خارجی آمریکا حاکم بوده است - مبنی بر این که منابع اختصاص یافته به دیگر کشور ها نباید صرف رقابت با محصولات آمریکا در بازار های جهانی شود - تناقض دارد. در واقع، اسرائیل توانسته است

با استفاده از پول و فناوری آمریکا به رقیب بالقوه این کشور در فروش بعضی تسلیحات پیشرفته تبدیل شود (Ball, 1992:263).

اسرائیل از امتیازات دیگر چون دریافت ضمانت‌های وام از دولت آمریکا (فیندلی، ۱۲۵-۱۳۷۸:۱۲۴)؛ کمکی اضافی، به دنبال وقوع تحولات و رخداد‌های خاص در منطقه (برای مثال، امضای قرارداد کمپ دیوید با مصر) (Mearsheimer and Walt, 2007:38)؛ و کمک‌های خصوصی شهروندان و موسسات غیر دولتی آمریکا - که در ۲۰۰۹ سالانه تقریباً به ۲ میلیارد دلار رسیده (Mearsheimer and Walt, 2007:29) و بالاترین میزان کمکی است که از طریق بخش خصوصی یک کشور برای کشور دیگر جمع‌آوری می‌شود (El-Khawwas, 1984: 53) - هم بهره‌مند بوده است.

۲-۱-۴ - حمایت‌های سیاسی - دیپلماتی آمریکا از اسرائیل

از زمان اعلان تأسیس کشور اسرائیل در سرزمین فلسطین، واشینگتن همواره به حمایت بدون قید و شرط سیاسی و دیپلماتی از اسرائیل ادامه داده است و در شورای امنیت سازمان ملل متحد از تصویب قطعنامه‌های متعدد پیشنهادی علیه تجاوزهای دولت اسرائیل علیه فلسطینیان و اعراب جلوگیری کرده است.

۲-۱-۴-الف - جانبداری از اسرائیل در سازمان ملل متحد

حمایت از اسرائیل در مجامع بین‌المللی به ویژه در سازمان ملل یکی از بارزترین نمودهای کمک‌های سیاسی آمریکا به این کشور است. این حمایت‌ها در واقع با پذیرش طرح تقسیم سازمان ملل آغاز شد. در طول سال‌های بعد و علی‌رغم این که "اسرائیل بیش از هر کشور دیگر در جهان در معرض قطعنامه‌های انتقاد آمیز و محکوم کننده سازمان ملل قرار داشته است" (Neff, 1993:41)؛ آمریکا همواره تلاش کرده است با استفاده از ابزارهایی چون استفاده یا تهدید به استفاده از حق وتو و قطع یا تهدید به قطع کمک‌های مالی به سازمان ملل از میزان سرزنش‌ها و انتقادات از این کشور بکاهد و از محکومیت بیشتر آن جلوگیری کند. در این راه، در بیشتر مواقع موضع آمریکا در مقابل نظر اکثریت اعضای جامعه جهانی و حتی متحدان آن قرار گرفته و این کشور یک تنه بار حمایت از اسرائیل را به دوش کشیده است. عملاً در همه مواردی که آمریکا از حق وتوی خود در شورای امنیت برای حمایت از اسرائیل استفاده کرد، تنها بوده است. حتی کشورهای دوست چون بریتانیا و فرانسه هم در موارد بسیار از پیوستن به آمریکا در استفاده از حق وتو به نفع اسرائیل اجتناب کرده و به قطعنامه‌های ضد اسرائیلی رای مثبت یا ممتنع داده‌اند (Ball, 1992:307). هیچ کشور دیگر در سازمان ملل چنین

موضوعی در حمایت از اسرائیل نداشته و هیچ کشور دیگری نبوده است که آمریکا تا این اندازه به نفع آن و در مقابله با محکومیت آن، رای داده باشد. به طور کلی استفاده آمریکا از حق وتو به نفع اسرائیل به دو شکل صورت گرفته است: به کارگیری حق وتو یا تهدید به استفاده از آن.

تا آغاز دهه ۱۹۷۰، آمریکا از حق وتوی خود در شورای امنیت استفاده نکرده بود. نخستین رای وتوی این کشور در ۱۷ مارس ۱۹۷۰ درباره کشور رودزیای جنوبی به صندوق ریخته شد. دو سال بعد، در سپتامبر ۱۹۷۳، آمریکا برای حمایت از اسرائیل و جلوگیری از تصویب قطعنامه علیه این کشور - که حمله آن را به جنوب لبنان و سوریه محکوم می کرد - و برای دومین بار، قطعنامه شورای امنیت را وتو کرد (Neff, 1993:42). از آن زمان تا سال ۲۰۰۶ واشینگتن ۴۲ قطعنامه ضداسرائیلی شورا را وتو کرده است. این تعداد بیش از نیمی از همه وتوهای آمریکا در این دوره بوده است (Mearsheimer and Walt, 2007:40).

آمار دیگر (www.krystal.com/democracy-whyusao3.html) نشان می دهد که از سال ۱۹۷۲ تا ۲۰۰۹، آمریکا تقریباً با ۱۷۰ قطعنامه مجمع عمومی و شورای امنیت سازمان ملل مخالفت یا آنها را وتو کرده است. از این تعداد حدود ۱۰۸ مورد به نفع اسرائیل و در جهت جلوگیری از تصویب قطعنامه هایی علیه این کشور بوده است.^۱ در برخی موارد همچنین قطعنامه هایی پس از تصویب، تحت فشار آمریکا لغو شده است. در ۱۱ نوامبر ۱۹۷۵ هر دو مجلس نمایندگان و سنای آمریکا متفقاً تقاضای بازنگری در رابطه آمریکا با سازمان ملل را داشتند و قطعنامه مجمع عمومی را در مورد برابر دانستن صهیونیسم با نژاد پرستی - قطعنامه ۱۷ اکتبر ۱۹۷۵ - محکوم کردند (Reich, 1995: 81). آخر کار، در دسامبر ۱۹۹۱ سازمان ملل به اصرار و فشار ایالات متحد رسماً قطعنامه مجمع را لغو کرد. بوش، رییس جمهور آمریکا به مجمع عمومی سازمان ملل گفت: "مساوی دانستن صهیونیسم با گناه غیر قابل تحمل نژاد پرستی تحریف تاریخ است" (Finkelstein, 1998:140).

استفاده آمریکا از حق وتو در حمایت از اسرائیل در واقع سازمان ملل را از مسیر خود در حل و فصل مساله فلسطین منحرف کرده است. اگر وتوهای آمریکا نبود تعداد قطعنامه ها علیه اسرائیل بیشتر و اثر گذارتر می بود و سازمان ملل می توانست حق فلسطینی ها را در تعیین سرنوشتشان با فرا خواندن اسرائیل به ترک اقدامات سرکوب گرانه علیه انتفاضه فلسطینی ها، با فرستادن ناظران سازمان ملل به مناطق اشغالی برای نظارت بر رفتار اسرائیل، و از همه جدی تر

^۱ فهرست کامل این قطعنامه ها در وب سایت مذکور موجود است.

با تحمیل تحریم‌ها بر اسرائیل - در صورت نادیده گرفتن و عمل نکردن به قطعنامه‌های شورا - با قاطعیت بیشتر تایید و تصدیق کند.

البته، قطعنامه‌هایی هم علیه اسرائیل وجود داشته است که آمریکا به آنها رای مثبت یا ممتنع داده و انتقادات از اسرائیل را پذیرفته است. از سال ۱۹۷۳ تا ۲۰۰۰، شورای امنیت تقریباً ۹۰ قطعنامه حاوی انتقاد از اسرائیل صادر کرد که آمریکا تقریباً به دو سوم آنها رای موافق یا ممتنع داد (www.palestinefacts.org). اما این موارد معمولاً در زمان‌هایی بوده است که اقدامات اسرائیل به وضوح حساسیت یا مخالفت جهانی را برانگیخته یا این که قطعنامه حاوی انتقاد ملایم و محدود از اسرائیل بوده است، مانند حمله اسرائیل به راکتور هسته ای عراق (اوسیراک) در ۷ ژوئن ۱۹۸۱ که در آمریکا به شدت مورد انتقاد واقع و باعث شد این کشور به همراه تمامی دیگر اعضای شورای امنیت به قطعنامه سازمان ملل در محکومیت عملیات اسرائیل رای مثبت بدهد (Gilboa, 1987:125). نمونه‌های دیگر، آرای مثبت یا ممتنع آمریکا به قطعنامه‌های سازمان ملل در محکومیت حمله اسرائیل به روستای قبیله در ۱۹۵۳، اخراج فلسطینی‌ها از سرزمین‌های اشغالی در ۱۹۹۰ و بمباران مراکز سازمان آزادیبخش فلسطین در تونس در سال ۱۹۸۵ هستند (Mearsheimer and Walt, 2007: 367).

به علاوه، آمریکا ممکن است به قطعنامه‌هایی رای بدهد که حاکی از نارضایتی از برخی اقدامات اسرائیل باشند، اما همچنان اجازه نخواهد داد که اقدامات متناسب برای تغییر رفتار این کشور از طریق این قطعنامه‌ها انجام شود. برای مثال، آمریکا به قطعنامه ۱۹۸۱ شورا رای مثبت داد که انضمام بلندیهای جولان به اسرائیل را باطل می‌دانست و تهدید می‌کرد در صورت عدم تغییر در رفتار اسرائیل "اقدامات متناسب" را انجام خواهد داد. با وجود این، در ۵ ژانویه ۱۹۸۲، زمانی که شورا درگیر بررسی "اقدامات متناسب" بود، واشینگتن تهدید کرد که هر قطعنامه پیشنهادی در این باره را وتو خواهد کرد و در عمل هم در ۲۰ ژانویه ۱۹۸۲ - زمانی که افکار عمومی جهان کمتر بر این مساله متمرکز و حساس بود - قطعنامه بعدی شورا در این باره را وتو کرد (Ball, 1992:117, 83).

روش دیگر آمریکا برای حمایت از اسرائیل در سازمان ملل تلاش این کشور برای جلوگیری از تصویب قطعنامه‌های ضد اسرائیلی از طریق تهدید به استفاده از حق وتو، یا خروج از سازمان ملل، یا قطع کمک‌ها به این سازمان بوده است. موارد متعدد وجود داشته که قطعنامه‌های شورا در محکومیت اسرائیل به دلیل تهدید آمریکا به وتو کردن آنها هرگز به رای گذاشته نشد. در ۱۲ مه ۱۹۸۲ کنگره آمریکا با رای ۴۰۱ به ۳ قطعنامه پیشنهادی را در حمایت از اسرائیل ("اگر مجمع عمومی سازمان ملل به شکل "غیرقانونی" اسرائیل را از مجمع یا دیگر آژانس‌های تخصصی سازمان ملل اخراج یا عضویتش را تعلیق کند، آمریکا هم باید به

عضویتش در آن آژانس یا مجمع پایان داده یا آن را تعلیق کند"، تصویب کرد (Reich, 1995:81). یک سال بعد، در ۱۹۸۳ هم آمریکا تهدید کرد که "اگر عضویت اسرائیل در سازمان ملل متحد به علت سرپیچی آن کشور از اجرای قطعنامه‌های آن سازمان تعلیق گردد از مجمع عمومی خارج خواهد شد" (فیندلی، ۱۹۶: ۱۳۷۸).

به همین ترتیب، تهدید آمریکا به وتو در صورت برده شدن حتی اسمی از اسرائیل یا اشاره‌ای به تحریم‌ها علیه این کشور در قطعنامه پیشنهادی شورا باعث شد که شورای امنیت نتواند برای اسرائیل به دلیل کشتار فلسطینیان در لبنان در سال ۱۹۸۲ مجازاتی در نظر بگیرد. آمریکا تنها حاضر به پذیرش قطعنامه ای ملایم بر ضد اسرائیل بود (Ball, 1992: 132-133). در سال ۲۰۰۲ نیز جان نگر و پونته، سفیر آمریکا در سازمان ملل، در جلسه شورای امنیت اعلام کرد که ایالات متحد آمریکا از این پس هر قطعنامه ای را که علیه اسرائیل باشد وتو خواهد کرد، بدون آن که همزمان تروریسم را به طور عام و جهاد اسلامی، حماس و گردان شهدای الاقصی را به طور خاص و با ذکر نام آنها محکوم کند (Mearsheimer and Walt, 2007:40).

۲-۱-۴-ب اشکال دیگر جانبداری سیاسی آمریکا از اسرائیل

علاوه بر استفاده از حق وتو در سازمان ملل آمریکا همواره از طرق دیگر هم حمایت سیاسی بی قید و شرط خود را از اسرائیل نشان داده است. چشم پوشی از اقدامات اسرائیل، حتی زمانی که در تناقض با قوانین این کشور قرار داشته یا ضررهایی مستقیم را متوجه آن ساخته است و عدم استفاده از اهرم کمک های مالی و نظامی برای تغییر مواضع یا رفتار اسرائیل نمونه هایی از این موارد است. تاریخ روابط دو کشور نشان داده است که صرف نظر از این که اسرائیل چه اقداماتی انجام می دهد، سطح حمایت آمریکا از این کشور تا حد زیادی بدون تغییر باقی می ماند.

در قوانین آمریکا لغو تمامی کمک های آن به هر کشوری که در راه توسعه سلاح اتمی قدم بردارد یا به طور فاحش ناقض حقوق بشر باشد پیش بینی شده است (فیندلی، ۱۳۷۸: ۱۱۸). قانون کمک خارجی این کشور در بخش ۱۱۶ اشعار می دارد "هیچ کمکی تحت این بخش به دولتی که به شیوه ای دائمی به نقض آشکار حقوق بشر شناخته شده بین المللی اقدام می کند نمی شود" (آزادی، ۱۳۸۲: ۲۴۶). با این همه، دولت آمریکا هرگز اسرائیل را برای تغییر رفتارش در برخورد با فلسطینی‌ها و رعایت حقوق آنها - از جمله رعایت مفاد کنوانسیون چهارم ژنو در باره رعایت حقوق غیر نظامیان در زمان جنگ - تحت فشار نگذاشته و در حالی که "اسرائیل تنها کشوری است که شکنجه را رسماً و قانوناً مجاز شمرده است" (آزادی، ۱۳۸۲: ۲۴۷) همچنان به حمایت از این کشور ادامه می دهد. علاوه بر این، با وجود این که دولت آمریکا همواره یکی

از محور های اصلی سیاست خارجی این کشور را مبارزه با گسترش سلاح های کشتار جمعی اعلام کرده است، از تلاش های اسرائیل برای حفظ برتری نظامی در منطقه با چشم پوشی از برنامه پنهانی سلاح های کشتار جمعی این کشور حمایت کرده و در حالی که بسیاری از کشورها را برای امضای معاهده "منع گسترش سلاح های هسته ای" تحت فشار گذاشته است، اقدامی خاص برای اعمال فشار بر اسرائیل برای متوقف کردن برنامه هسته ای و امضای این پیمان انجام نداده است. به علاوه، اسرائیل برنامه های تسلیحات شیمیایی و بیولوژیک خود را هم فعال نگه داشته و هنوز کنوانسیون تسلیحات بیولوژیک و شیمیایی را نپذیرفته است (Mearsheimer and Walt, 2007: 36).

در حقیقت آمریکا هرگز از کمک هایش به اسرائیل به عنوان اهرمی سیاسی برای ایجاد تغییر در رفتار و رویه این کشور استفاده نکرده است. در حالی که در مورد سایر کشورها دریافت کمک های اقتصادی و نظامی از آمریکا منوط به تغییر رفتار و مواضع سیاسی آنهاست. کمک آمریکا به مصر و اردن نتیجه مستقیم تغییر سیاست این کشورها و پذیرش صلح با اسرائیل بوده است. از طرف دیگر، تجربه های هرچند محدود نشان داده است که کمک های آمریکا، اهرمی مناسب و کارآمد برای ایجاد تغییر در خط مشی و سیاست های اسرائیل بوده است. رها شدن پروژه تغییر مسیر آب رودخانه اردن بوسیله اسرائیل در نتیجه تهدید آیزنهاور به قطع کمک های آمریکا - و عملی شدن این تهدید - (گرین، ۱۳۶۸:۹۸) و عقب نشینی اسرائیل از مواضع اشغال شده در جریان حمله به کانال سوئز در ۱۹۵۵ (کاکبورن: ۱۰۹:۱۳۷۱) نمونه هایی از این دست است.

جانبداری از مواضع اسرائیل در مذاکرات صلح با اعراب و هماهنگی با این مواضع، نمونه ای دیگر از حمایت های سیاسی آمریکا از اسرائیل است. آرون دیوید میلر، مشاور شش وزیر خارجه آمریکا در امور خاور میانه و مسائل اعراب و اسرائیل و یکی از شخصیت های مهم دولت کلینتون در مذاکرات صلح با فلسطینی ها، در سال ۲۰۰۵ این مساله را این طور بیان می کند که آمریکا در اغلب موارد در جریان مذاکرات و تلاش های صلح به عنوان "وکیل اسرائیل" عمل کرده است (Mearsheimer and Walt, 2007:48). برای مثال آمریکا، مطابق قول کیسینجر به اسرائیلی ها تا زمانی که سازمان آزادیبخش فلسطین حق حیات اسرائیل و قطعنامه ۲۴۲ را نپذیرفت (اوایل دهه ۹۰) آن را به رسمیت نشناخت و با آن وارد مذاکره نشد (Ball, 83: 1992). در جریان مذاکرات اسلو هم مواضع آمریکا کاملاً با اسرائیل هماهنگ بود و از رویکرد آن کشور درباره فرایند صلح حمایت می کرد. به قول نماینده اصلی گروه مذاکره کننده اسرائیل در اسلو، ران پونداک، "رویکرد سنتی وزارت خارجه آمریکا این بود که همان موضع وزیر خارجه اسرائیل را اتخاذ کند" (Mearsheimer and Walt, 2007:47).

حمایت از مواضع اسرائیل در جریان مذاکرات و در نتیجه نهایی موافقت نامه صلح کمپ دیوید هم مشهود است. اسرائیلی ها در جریان مذاکرات کمپ دیوید به صراحت نشان دادند که هیچ امتیازی در مورد کرانه غربی رود اردن و نوار غزه به مصر نخواهند داد، اما حاضرند به توافقی محدود با مصر در قالب معامله "زمین برای صلح" تن دهند (Ball, 1992: 102-103). در حالی که بر اساس طرح کارتر هر صلحی میان اعراب و اسرائیل باید هر سه جبهه صحرای سینا، بلندی‌های جولان و کرانه باختری و نوار غزه را در بر می‌گرفت (فیندلی، ۱۳۷۸: ۲۱۶). در نهایت هم توافق نامه کمپ دیوید مطابق خواسته اسرائیل پیش رفت و این کشور تنها صحرای سینا (و نه سایر سرزمین‌های اشغالی) را به مصر واگذار کرد.

حمایت های دیپلماتی آمریکا از اسرائیل در موارد دیگر نیز قابل مشاهده است. برای مثال، از زمان تشکیل اسرائیل، آمریکا تلاش بسیار کرده است تا پذیرش این کشور را در سطح جهانی بالا ببرد. برقراری روابط دیپلماتی واتیکان با اسرائیل در دسامبر ۱۹۹۳ نتیجه همین تلاش‌ها بود (Bard and Pipes, www.meforum.org). همچنین، پیوندهایی خاص نیز میان مقامات سیاسی دو کشور وجود دارد. هیات‌های دیپلماتی، فرستادگان و سفیران اسرائیل به طور ویژه به ریسان جمهور و دیگر مقامات ارشد دولتی آمریکا دسترسی دارند. همان طور که حکومت اسرائیل از حضور دیپلمات ها و بازدید کنندگان متعدد آمریکایی در اسرائیل به گرمی استقبال می‌کند (Reich, 1995: 4).

۲-۲ همراهی افکار عمومی آمریکا با اسرائیل و کمک به این کشور

حمایت افکار عمومی آمریکا از اسرائیل به ویژه از این نظر اهمیت و موضوعیت پیدا می‌کند که "اساسا، رسانه ها و مردم [ایالات متحد] توجه کمی به رویدادهای خارجی ابراز می‌دارند" (Gilboa, 1987:305). اما ظاهراً اسرائیل از این قاعده مستثنی است، زیرا همواره توجه و نگاه مثبت آمریکایی ها را داشته و حس همراهی و اعتماد آنها را برانگیخته است. در سال‌های پایانی دهه ۱۹۴۰ که آمریکا ارسال سلاح و تجهیزات نظامی به منطقه خاورمیانه را تحریم کرده بود، با وجود حمایت افکار عمومی این کشور از این تحریمها و نظر منفی آنها به درگیری آمریکا در جنگ احتمالی اعراب و اسرائیل، نتایج حدود هفت نظر سنجی - از ۱۹۴۷ تا ۱۹۴۹- نشان داد که تقریباً یک سوم پاسخ دهندگان همواره جانب اسرائیل را گرفتند - دو برابر کسانی که از اعراب حمایت کردند (Gilboa, 1987:25).

طبق نتایج نظرسنجی‌های موسسه گالوپ - که بیشترین نظرسنجی‌ها را در مورد اسرائیل و جدال آن با اعراب انجام داده است - حس همراهی آمریکایی ها با اسرائیل از ۱۹۶۷ حول و حوش ۵۰٪ باقی مانده است. نظرسنجی این موسسه در فوریه ۲۰۰۹ نشان می‌دهد که در حال

حاضر هم اکثر آمریکایی‌ها احساس همراهی و همدلی بیشتر با اسرائیل دارند تا با اعراب، به گونه‌ای که از هر ده آمریکایی شش نفر (۵۹٪) در مورد نزاع خاورمیانه بیشتر با اسرائیل احساس همدلی می‌کنند، در حالی که تنها ۱۸٪ طرفدار فلسطینی‌ها هستند و حدود یک چهارم هم جهت‌گیری مشخصی به نفع یکی از دو طرف ندارند (۴٪ طرفدار هر دو طرف، ۹٪ طرفدار هیچکدام و ۱۰٪ بدون نظر) (www.gallup.com/poll/116308/Americans-Support- Israel-Unchanged-Gaza-Conflict.aspx). به طور کلی، در ۷۹ نظر سنجی انجام شده این موسسه از سال ۱۹۶۷ تا کنون، اسرائیلی‌ها به طور متوسط حمایت ۴۶٪ مردم آمریکا، در مقایسه با ۱۲٪ برای اعراب/فلسطینی‌ها، را داشته‌اند و این حمایت از ۱۹۶۷ تاکنون رو به افزایش بوده است: در دهه ۱۹۷۰ متوسط حمایت آمریکایی‌ها از اسرائیل ۴۲٪؛ در دهه ۱۹۸۰، ۴۶٪؛ در دهه ۱۹۹۰، ۵۰٪؛ و در دهه نخست قرن ۲۱، ۵۰٪ بوده است. این در حالی است که حمایت از اعراب/فلسطینی‌ها در دو دهه اخیر کاهش یافته و از حدود ۱۵٪ در دهه ۱۹۸۰، به ۱۴٪ از سال ۲۰۰۰ تاکنون رسیده است (www.Jewishvirtuallibrary.org, Bard, 2009). جدول شماره (۱) میزان همراهی مردم آمریکا را با اسرائیل و فلسطینی‌ها از سال ۱۹۸۸ تا زمان حاضر نشان می‌دهد.

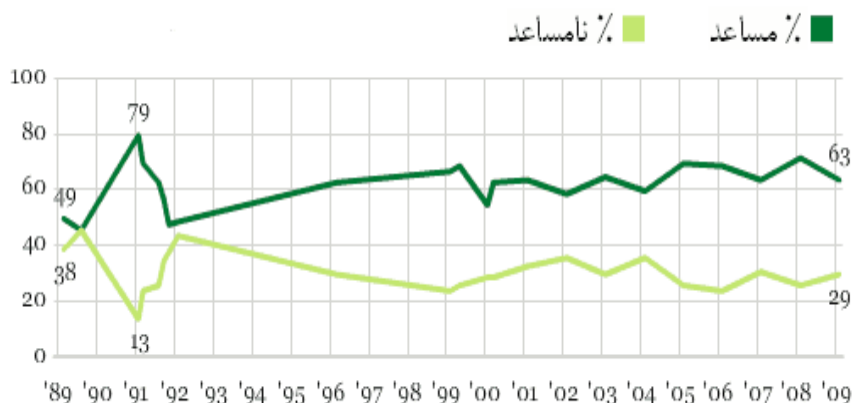
مجموع چندین نظر سنجی چند موسسه مختلف نیز نتایج مشابه را نشان می‌دهد. بر اساس یافته‌های ۱۸۴ نظر سنجی که از ۱۹۶۷ تاکنون این موسسات انجام داده‌اند به طور متوسط حدود ۴۷٪ مردم آمریکا از اسرائیل حمایت می‌کنند؛ در حالی که این آمار برای اعراب/فلسطینی‌ها حدود ۱۱٪ است (www.jewishvirtuallibrary.org/jsources/polls/html).

همچنین، اسرائیل یکی از کشورهایی است که همواره توجه و نگاه مثبت و مساعد آمریکایی‌ها را داشته است و از این نظر در رده‌های بالای جدول کشورهای محبوب و مطلوب مردم آمریکا قرار می‌گیرد. نظر سنجی فوریه ۲۰۰۸ گالوپ نشان داد که اسرائیل، با داشتن ۷۱٪ نظر مساعد و ۲۵٪ نظر نامساعد، در رده پنجم محبوب‌ترین کشورها از نظر مردم آمریکا - و بالاتر از فرانسه و هند - قرار داشته است. یک سال بعد، در فوریه ۲۰۰۹ این کشور با اختلافی ناچیز (تنها ۱٪) نسبت به هند و فرانسه، بعد از این کشورها و در رده هفتم قرار گرفت (www.gallup.com/poll/104734/Americans-Most-Least-Favored-nations.aspx).

نتایج نظر سنجی‌های دیگر در این سال نشان می‌دهد که اکثر آمریکایی‌ها (۶۳٪) دیدی مثبت به اسرائیل دارند و از این تعداد ۲۱٪ دیدی بسیار مطلوب و مساعد به این کشور دارند. فقط ۲۹٪ مردم آمریکا نظری نامساعد به اسرائیل ابراز داشتند که از این تعداد، تنها ۸٪ نگاه بسیار نامطلوب و نامساعد داشته‌اند (www.gallup.com/poll/116308/Americans-Support- Israel-Unchanged-Gaza-Conflict.aspx). نظر سنجی دیگر در مه ۲۰۰۹ نشان می‌دهد که اسرائیل،

بعد از بریتانیا و کانادا، در رأس کشورهای قرار دارد که مردم آمریکا آنها را "بهترین دوستان" کشورشان می دانند (www.radiofarda.com/content/f35-US-Iran-State/1622045.html).

روند کلی نظر افکار عمومی آمریکا نسبت به اسرائیل از ۱۹۸۹ تا ۲۰۰۹



www.gallup.com/poll/116308/Americans-Support-Israel-Unchanged-Gaza-Conflict.aspx

در جدول شماره (۲) میزان محبوبیت و مطلوبیت اسرائیل در میان مردم آمریکا از سال ۱۹۸۹ تاکنون نشان داده شده است.

به گزارش موسسه گالوپ در سال ۲۰۰۷، مردم آمریکا، نسبت به ۱۰ یا ۲۰ سال پیش از آن، بیشتر طرفدار اسرائیل شده اند و تعداد آمریکایی هایی که به نفع این کشور جهت گیری کرده اند افزایش یافته است. در واقع، در طول سالها درصد آمریکایی هایی که نگاه خنثی و بی طرفانه ای به جدال اعراب و اسرائیل داشته اند - یعنی کسانی که یا طرفدار هر دو طرف بوده اند، یا طرفدار هیچ کدام نبوده اند، یا در این باره نظری نداشته اند - کاهش یافته و در مقابل، بر تعداد طرفداران اسرائیل افزوده شده است

(www.gallup.com/poll/26785/Palestinian-Israel-Dispute-Engender-Americans-Sympathy-)

(Israelis.aspx).

در مورد ارسال کمک های اقتصادی و نظامی به اسرائیل نیز همواره سیاستمداران آمریکایی از پشتیبانی مردم کشورشان برخوردار بوده اند. در حالی که به طور کلی کمک خارجی هرگز در آمریکا مقبولیت عام نداشته و ریسان جمهور این کشور مجبور بوده اند رضایت افکار عمومی و کنگره را در اختصاص کمک به کشورهای دیگر جلب کنند (Gilboa, 1987:205).

212)، اسرائیل از این قاعده مستثنی بوده و آمریکایی ها پیوسته از کمک های کشورشان به اسرائیل پشتیبانی کرده اند (Gilboa, 1987:232; Reich, 1995:102).

در سال های اخیر نیز علی رغم قدرت اقتصادی و نظامی اسرائیل، حمایت مردم آمریکا از کمک به این کشور همچنان ادامه داشته است. نتایج یک نظر سنجی در سال ۲۰۰۱ نشان داد که تقریباً دو سوم آمریکایی ها معتقد بودند که در صورت نیاز اسرائیل آمریکا باید به این کشور در دفاع از خودش کمک کند (www.ujc.org, 2001). طبق یافته های موسسه گالوپ در این سال نیز اکثر آمریکایی ها خواستار این بودند که کمک های کشورشان به اسرائیل بدون تغییر و در سطح قبلی باقی ماند یا افزایش یابد (۵۵٪)، معتقد بودند که کمک های اقتصادی به اسرائیل باید در همان سطح قبلی باقی بماند و ۸٪ اعتقاد داشتند که باید افزایش یابد. ۳۰٪ خواهان کاهش یا حذف کمک ها و ۷٪ بدون نظر بودند. در مورد کمک های نظامی هم وضعیت همینگونه بود: ۳۱٪ خواستار کاهش یا توقف کمک ها بودند؛ ۱۶٪ خواهان افزایش و ۴۷٪ خواهان حفظ این کمک ها در سطح قبلی بودند؛ ۶٪ هم در این باره نظری ابراز نداشتند (www.gallup.com/poll/4915/Americans-Show-Increased-Support-Israel-Following-Terrorist-Attacks.aspx). نتایج نظر سنجی دیگر در مارس ۲۰۰۸ هم نشان می دهد که ۶۷٪ مردم با کمک به اسرائیل، جهت دفاع از خودش و همکاری با آمریکا بر ای مبارزه با تروریسم، موافق بوده اند (www.Jewishvirtuallibrary.org/jsourc/us-israel/poaid.html).

همراهی با اسرائیل حتی به دنبال فراز و فرود های تحولات خاور میانه یا بروز تنش در روابط دو کشور همیشه در سطح بالایی بوده و حتی زمانی که حمایت از اسرائیل ضررهایی آشکار برای منافع کشور و مردم آمریکا در پی داشته است - از جمله در جریان تحریم نفتی اعراب در ۱۹۷۳ - به حمایت افکار عمومی این کشور از اسرائیل و ترجیح آن به اعراب خللی وارد نشده است. نتایج نظرسنجی ها نشان داده است که احساس همدردی آمریکایی ها با اسرائیل در طول جنگ ۱۹۷۳ و بلافاصله بعد از آن به شدت زیاد بود و تحریم نفت تأثیری در مخدوش کردن چهره مثبت اسرائیل نزد آمریکایی ها و بهبود بخشیدن به تصویر اعراب نداشت (Gilboa, 1987:61, 65, 76; Organski, 1990:48).

رویداد مهم دیگر امضای قرارداد کمپ دیوید و صلح مصر و اسرائیل بود. سفر سادات به اورشلیم و موافقت او با صلح با اسرائیل تصویر مصر (و خود سادات) را در نگاه آمریکایی ها به شدت بهبود بخشید. اما این واقعه تأثیری در بهبود چهره کلی اعراب نداشت و تصویر آنها همچنان منفی باقی ماند. از طرف دیگر، بهبود چهره مصر به قیمت منفی شدن تصویر اسرائیل نبود. با وجود محبوبیت زیاد سادات، افکار عمومی آمریکا همچنان با اسرائیل احساس همراهی

بیشتر داشت و قویا از آن حمایت می کرد. نهایتاً تصویر مثبت مصر هم بعد از ترور سادات در اکتبر ۱۹۸۱ به شدت مخدوش شد (Gilboa, 1987:115-116, 313).

الگوی حمایت از اسرائیل حتی در مواقع بروز تنش در روابط دو کشور هم ثابت ماند. برای مثال، حمله به لبنان و انعکاس اخبار و تصاویر کشتار فلسطینی ها به دست سربازان اسرائیلی در رسانه های آمریکا چندان تاثیری بر جهت گیری مثبت افکار عمومی این کشور درباره اسرائیل بر جای نگذاشت. نظر سنجی گالوپ در ۱۹۸۱ نشان داد که ۴۴٪ مردم آمریکا با اسرائیل احساس همدردی بیشتر داشتند تا با اعراب (۱۱٪). در ۱۹۸۲ این آمار ۴۸٪ به نفع اسرائیل و در مقابل ۱۷٪ به نفع اعراب بود (Melman, 1994:367). اگرچه در طول جنگ همراهی آمریکایی ها با این کشور اندکی کاهش و با اعراب تا حدی افزایش یافت، بلافاصله بعد از جنگ دوطرف جایگاه سابق را بازیافتند. در پی کشتار در صبرا و شتیلا هم اگرچه همدردی با اسرائیل به پایین ترین سطح خود از زمان جنگ شش روزه رسید؛ تنها سه ماه بعد این کشور مجدداً همه امتیازهای از دست رفته را بازیافت. به علاوه، جایگاه اسرائیل نزد مردم آمریکا حتی در طول دوره جنگ هم بسیار بالاتر از دیگر متحدان این کشور در خاورمیانه، از جمله مصر بود (Gilboa, 1987:163).

با آغاز انتفاضه مردم فلسطین از ۱۹۸۷ و انعکاس آن در رسانه های آمریکایی، احساس همدردی مردم این کشور با فلسطینی ها نسبت به قبل افزایش یافت، اگرچه هنوز بسیار کمتر از اسرائیل بود. علی رغم رد سیاست های اسرائیل در سرزمین های اشغالی افکار عمومی آمریکا همچنان با این کشور همراهی و همدردی نشان داده اند (Organski, 1990:52). به دنبال حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر در ایالات متحد و با وجود این که اکثر مردم آمریکا این حملات را با سیاست های خاورمیانه ای کشورشان مرتبط دانستند، تنها اقلیتی کوچک از آنها خواستار این بودند که آمریکا با کناره گیری از اسرائیل به این حملات پاسخ دهد. نظر سنجی های صورت گرفته در آن دوره نشان داد که تنها ۱۶-۱۳ درصد مردم خواهان آن بودند که روابط آمریکا با اسرائیل کمتر شود؛ در حالی که ۳۳-۲۹ درصد خواستار نزدیک تر شدن، و ۴۸-۴۲ درصد خواهان باقی ماندن روابط دو کشور در همان سطح سابق بودند (www.americans.org/digest/regional-issues/ IsraelPalestinians/ IsrPalest.cfm).

علاوه بر این ها، شاخصی دیگر که به خوبی می تواند حمایت خاص مردم آمریکا از ملت و کشور اسرائیل را نشان دهد مقایسه نظر افکار عمومی این کشور درباره اسرائیل با دیدگاه سایر ملت های دنیاست. برای نمونه، مردم آمریکا حتی بیشتر از کانادایی ها و بریتانیایی ها - که از متحدان نزدیک آمریکا و در بسیاری موارد با این کشور هم عقیده و نظر هستند - با اسرائیل احساس همدردی کرده و نگاه مثبت و جانبدارانه به آن ابراز داشته اند. طبق نظر سنجی

گالوپ در فوریه ۲۰۰۵، در حالی که ۵۲٪ مردم آمریکا همدلی بیشتر با اسرائیل داشتند (در مقابل ۱۸٪ با فلسطینی‌ها)، تنها ۳۴٪ کانادایی‌ها و ۳۱٪ بریتانیایی‌ها این احساس را به اسرائیل داشتند. در مقابل، ۳۰٪ کانادایی‌ها و ۲۴٪ بریتانیایی‌ها با فلسطینی‌ها احساس همدردی می‌کردند (دیدگاه‌های ختشی و بی‌طرف در آمریکا ۳۰٪، در کانادا ۳۶٪ و در بریتانیا ۴۵٪ بود). همچنین، در حالی که دو سوم مردم آمریکا (۶۹٪) نظر مساعد به اسرائیل داشتند، این آمار در مورد کانادایی‌ها ۵۱٪ و در مورد بریتانیایی‌ها تنها ۳۹٪ بود.

(www.gallup.com/poll/6534/Americans-Stand-Apart-Support-Israel.aspx)

نتیجه

اگرچه رابطه رسمی دولت آمریکا با اسرائیل از نیمه قرن بیستم و به دنبال تاسیس آن کشور در سال ۱۹۴۸ آغاز شد و سپس در طول قرن گسترش یافت و "رابطه ای ویژه" شد، سابقه حمایت‌های آمریکا از یهودیان و ایده بازگشت آنها به فلسطین و استقرار حاکمیت یهودی در آنجا به سال‌ها قبل و اوایل قرن ۱۹ میلادی باز می‌گردد. با آغاز فعالیت صهیونیست‌ها در نیمه دوم این قرن، پشتیبانی آمریکا از یهودیان نیز جدی‌تر و عیان‌تر شد. پذیرش اعلامیه بالفور در کنگره و دولت این کشور نمود همین مساله بود. در این دوره مردم آمریکا هم درباره اهداف و برنامه‌های جنبش صهیونیسم نظر مساعد داشتند. دوره ریاست جمهوری ترومن، زمان به اوج رسیدن حمایت آمریکا از خواست صهیونیست‌ها جهت استقرار حاکمیت ملی یهودیان بر سرزمین فلسطین بود. در این دوره، طرح تقسیم فلسطین و به دنبال آن تاسیس کشور اسرائیل از طرف دولت آمریکا پذیرفته شد و ایالات متحد آمریکا نخستین کشوری شد که دولت اسرائیل را به رسمیت شناخت. از این زمان به بعد، مرحله دوم حمایت‌های آمریکا از کشور اسرائیل آغاز شد.

با استقرار دولت یهود در فلسطین، کمک‌های آمریکا به اسرائیل گسترده‌تر شد و در حوزه‌های مختلف اقتصادی، نظامی و دیپلماتی ادامه یافت. این کمک‌ها که فراتر از نیازهای اسرائیل بوده است، در تبدیل آن به کشوری مدرن و پیشرفته تأثیری بسزا داشته است. به علاوه، اسرائیل در برخورداری از این پشتیبانی دست و دلبازانه آمریکایی‌ها همواره از امتیازاتی خاص هم بهره‌مند بوده که آن را از سایر دریافت‌کنندگان کمک‌های این کشور متمایز کرده است.

مردم آمریکا هم در این مدت همواره نگاه مثبت به اسرائیل داشته و همراهی و همدردی قابل ملاحظه با این کشور و اهدافش - در مقایسه با اعراب - نشان داده‌اند. اسرائیل حتی نسبت به سایر ملت‌های دنیا هم از جایگاهی مساعد در افکار عمومی آمریکا برخوردار است و

مردم این کشور، حتی بیشتر از مردم سایر ملت های غربی، درباره اسرائیل نظر موافق ابراز داشته و با آن همدلی و همراهی نشان داده اند. این در حالی است که سطح این حمایت و همراهی در مواقع بروز بحران در روابط اسرائیل با همسایگانش - و گاهی، با دولت آمریکا- هم چندان تغییر پیدا نمی کند و بعد از بروز اندک کاهش در میزان این حمایت ها و پس از رفع تنشها، این کشور مجددا جایگاه خود را در افکار عمومی آمریکا بازمی یابد.

جدول شماره (۱)

بین کشورهای خاور میانه، شما بیشتر با اسرائیل احساس همدردی می کنید یا فلسطینی ها؟

	اسرائیل	فلسطینی ها	هر دو	هیچ کدام	بدون نظر
	%	%	%	%	%
2009 Feb 9-12	59	18	4	9	10
2008 Feb 11-14	59	17	4	10	10
2007 Feb 1-4	58	20	5	10	7
2006 Feb 6-9	59	15	5	13	8
2005 Feb 7-10	52	18	7	12	11
2004 Feb 9-12	55	18	7	12	8
2003 May 19-21	46	16	12	14	12
2003 Feb 3-6	58	13	6	11	12
2002 Sep 2-4	47	14	6	19	14
2002 Jun 21-23	49	14	8	19	10
2002 May 20-22	49	15	7	19	10
2002 Apr 22-24	47	13	9	18	13
2002 Apr 5-7	50	15	9	17	9
2002 Mar 8-9	43	14	6	20	17
2002 Feb 4-6	55	14	6	14	11
2001 Dec 14-16	51	14	5	17	13
2001 Sep 14-15	55	7	4	20	14
2001 Aug 10-12	41	13	7	18	21
2001 Feb 1-4	51	16	7	14	12
2000 Oct 13-14 ^	41	11	9	18	21
2000 Jul 6-9	41	14	5	18	22
2000 Jan 25-26	43	13	5	21	18
1999 Jul 22-25	43	12	11	19	15
1998 Dec 4-6	46	13	5	22	14
1997 Aug 12-13	38	8	5	19	30
1996 Nov 21-24	38	15	6	14	27
1993 Sep 10-12	42	15	6	17	20
1991 Feb	64	7	19	--	10
1989 Aug	50	14	15	--	21
1988 May 13-15	37	15	22	--	27

جدول شماره (۲)

نظر کلی شما درباره اسرائیل بسیار مساعد، بیشتر مساعد، بیشتر نامساعد یا بسیار نامساعد است؟

	بسیار مساعد	بیشتر مساعد	بیشتر نامساعد	بسیار نامساعد	بدون نظر
	%	%	%	%	%
2009 Feb 9-12	21	42	21	8	7
2008 Feb 11-14	23	48	18	7	5
2007 Feb 1-4	22	41	22	8	7
2006 Feb 6-9	21	47	18	5	9
2005 Feb 7-10	19	50	20	5	6
2004 Feb 9-12	14	45	25	10	6
2003 Feb 3-6	22	42	23	6	7
2002 Feb 4-6	16	42	25	10	7
2001 Feb 1-4 ^	18	45	20	12	5
2000 Mar 17-19	16	46	20	8	10
2000 Jan 25-26	11	43	21	7	18
1999 May 7-9	15	53	19	6	7
1999 Feb 8-9	18	48	16	7	11
1996 Mar 8-10	17	45	18	11	9
1992 Feb 6-9	12	36	27	16	9
1991 Nov 21-14	11	36	26	11	16
1991 Sep 26-29	11	45	25	9	10
1991 Aug 8-11	15	47	19	6	12
1991 Mar 14-17	20	49	16	7	8
1991 Jan 30-Feb 2	28	51	10	3	8
1989 Aug 10-13	11	34	29	16	10
1989 Feb 28-Mar 2	8	41	25	13	13

www.gallup.com/poll/1639/Middle-East.aspx

منابع و مأخذ:

الف. فارسی:

۱. احمدی، حمید (۱۳۷۷). ریشه های بحران در خاورمیانه. چاپ دوم. تهران: سازمان انتشارات کیهان.
۲. کاکپورن، اندرو و لسلی (۱۳۷۱). ارتباط خطرناک (داستان ناگفته رابطه پنهان ایالات متحد و اسرائیل). ترجمه محسن اشرفی. تهران: اطلاعات.
۳. گرین، استیون (۱۳۶۸). جانبداری، روابط سری آمریکا و اسرائیل. ترجمه سهیل روحانی. تهران: چاپ و نشر بنیاد.

۴. فیندلی، پل (۱۳۷۸). *فریب های عمدی*، "حقایق درباره روابط آمریکا و اسرائیل". ترجمه محمد حسین آهویی. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
۵. هلال، رضا (۱۳۸۳). *مسیحیت صهیونیست و بنیاد گرای آمریکا*. ترجمه علی جنتی. تهران: نشر ادیان.

ب. مقاله های فارسی:

۱. آزادی، نبی (۱۳۸۲). "آمریکا و اسرائیل: روابط استراتژیک". در: کتاب آمریکا (۳). ویژه روابط آمریکا و اسرائیل. تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران. صص ۲۵۲-۲۱۹.
۲. قربانی شیخ نشین، ارسلان (۱۳۷۹). "نگاهی به سیاست آمریکا در پیدایش اسرائیل". در: مطالعات منطقه ای: اسرائیل شناسی-آمریکا شناسی. جلد پنجم. صص ۷۵-۱۰۰.
۳. "نگاهی به پرونده پشتیبانی آمریکا از رژیم صهیونیستی". نداء القدس. ۱۳۷۹. جلد ۳. شماره ۵۳. صص ۸-۱۱.

ج. کتاب های لاتین:

- Ball, George W. and Ball, Douglas B. (1992). *The Passionate Attachment: America's involvement with Israel, 1947 to the Present*. New York and London: W.W. Norton & company.
- Christison, Kathleen (1999). *Perceptions of Palestine: Their Influence on U.S. Middle East Policy*. California: University of California Press.
- Curtiss, Richard. H (1982). *A Changing Image: American Perceptions of the Arab-israeli Dispute*. Washington: American Educational Trust.
- El-Khawas, Mohamed (1984). *American Aid to Israel: Nature and Impact*. Vermont: Amana Books.
- Finklestein, Norman F. (1998). *Friends Indeed: The Special Relationship of Israel and United States*. Connecticut: The Millbrook Press.
- Gilboa, Eytan (1987). *American Public Opinion toward Israel and the Arab-Israeli Conflict*. Lexington: Lexington Books.
- Mearsheimer, John and Walt, Stephen M. (2007). *The Israel Lobby and US Foreign Policy*. New York: Allen Lane.
- Melman, Yossi and Raviv, Dan (1994). *Friends in Deed: Inside the U.S.-Israel alliance*. New York: Myperion.
- Neff, Donald (1995). *Fallen Pillars: U.S. Policy towards Palestine and Israel, Since 1945*. Washington D.C.: Institute for Palestine Studies.
- Organski, A. F. K. (1990). *The \$36 Billion Bargain: The Strategy and politics in U.S. Assistance to Israel*. New York: Columbia University Press.
- Reich, Bernard (1995). *Securing the Covenant: United States-Israel Relations after the Cold War*. Connecticut: Praeger Publishers.
- Rubin, Barry and Keaney, Thomas (2001). *US Allies in a Changing World*. Portland: Frank Cass.

د. مقاله های انگلیسی:

- Neff, Donald (1993). "Lessons to Be Learned from 66 U.N. Resolutions Israel Ignores". *The Washington Report on Middle East Affairs*. Vol. XI. No. 8. pp 40-43.
- Sullivan, Denis J. (1996). "American Aid to Egypt, 1975-96: Peace without Development". *Middle East Policy*. Vol. 4. No. 4. pp 36-50.

۵. منابع اینترنتی

فارسی:

۱. "بهبود نظر شهروندان آمریکا درباره ایران، فرانسه و کویت".
available at: www.radiofarda.com/content/f35/US-Iran-state/1622045.html
accessed: ۱۳۸۸/۲/۱۶.

خارجی:

1. "American Attitudes toward the Crisis in the Middle East". 2001. Available at: www.ujc.org/page.html?ArticleId=688 accessed: 1387/12/20.
2. "Americans' Most and Least Favored Nations" (2008). Available at: www.gallup.com/poll/104734/Americans-Most-Least-Favored-Nations.aspx accessed: 1388/1/18.
3. "Americans Show Increased Support for Israel following Terrorist Attacks" (2001). Available at: www.gallup.com/poll/4915/Americans-Show-Increased-Support-Israel-Following-Terrorist-Attacks.aspx accessed: 1388/1/18.
4. "Americans Stand Apart in Support for Israel" (2005). Available at: www.gallup.com/poll/16534/Americans-Stand-Apart-Support-Israel.aspx accessed: 1388/1/18.
5. "Americans Support for Israel Unchanged Since Gaza Conflict" (2009). Available at: www.gallup.com/poll/116308/Americans-Support-Israel-Unchanged-Gaza-Conflict.aspx Accessed: 1388/1/18.
6. "American Sympathy toward Israel and the Arabs/palestinians". January 2009. Available at: www.jewishvirtuallibrary.org/jsourc/us-Israel/polls.html accessed: 1387/12/20.
7. Bard, Mitchell and Pipes, Daniel. "How Special Is the U.S.-Israel Relationship?" Available at: www.meforum.org/433/still-apecial-the-us-israel-relationship Accessed: 1387/12/20.
8. Bard, Mitchell. "Roots of the U.S.-Israel Relationship". Available at: www.jewishvirtuallibray.org/jsourc/us-Israel/roots-of-the-US-Israel.html. accessed: 1388/2/12
9. Curtiss, Richard. "The Cost of Israel to U.S. Taxpayers: True Lies about U.S. Aid to Israel". Available at: <http://www.wrmea.com/us-aid-to-israel/index.htm> accessed: 1387/12/8
10. Feldberg, Michael (2002). "John Adams embraces a Jewish homeland". Available at: www.sullivsn-county.com/id2/adams-jews.htm accessed: 1387/12/20
11. "Israel and the Palestinians". Available at: www.americans-world.org/digest/regional-issues/IsraelPalestinians/IsrPalest.cfm. Accessed: 1388/2/23.
12. "Middle East" Available at: www.gallup.com/poll/1639/middle-East.aspx accessed: 1388/1/18.
13. "Palestinian-Israeli Dispute Engenders Americans Sympathy for Israelis" (2007). Available at: www.gallup.com/poll/26785/PalestinianIsraeli-Dispute-Engenders-American-Sympathy-Israelis.aspx accessed: 1388/1/18
14. "Public Opinion toward Foreign Aid". Available at: www.jewishvirtuallibrary.org/jsourc/us-Israel/poaid.html accessed: 1387/12/20.
15. Sharp, Jeremy M. (January 2008). "U.S. Foreign Aid to Israel". Available at: www.fas.org/sgp/crs/mideast/RL33222.pdf Accessed: 1388/1/18.
16. "U.S. Assistance to Israel". Available at: www.jewishvirtuallibrary.org/jsourc/US-Israel/U.S.-Assistance-to-Israel.html accessed: 1387/12/19.
17. "Use of the Veto on United Nations Resolutions by the USA". Available at: www.krysstal.com/democracy-whyusao3.html accessed: 1387/12/15.
18. "What Is the History and Status of US Support of Israel?" Available at: www.palestinefacts.org/pf-1991-now-israel-us-support.php accessed: 1387/12/22.
19. Zunes, Stephen. "The Strategic Foundations of U.S. Aid to Israel". Available at: <http://www.wrmea.com/us-aid-to-israel/index.htm> accessed: 1387/12/19.

20. Zunes, Stephen. "U.S. Aid to Israel: Interpreting the 'Strategic relationship' ". Available at: <http://wrmea.com/us-aid-to-israel/index.htm> accessed: 1387/12/19.

از این نویسنده تاکنون مقالات ذیل در همین مجله منتشر شده است:
"هویت ملی و ملت باوری در آسیای مرکزی"، دوره ۳۸، شماره ۲، تابستان ۸۷ "میراث جرج بوش در خاورمیانه و چالش پیش روی باراک اوباما"، دوره ۳۸، شماره ۴، زمستان ۸۷؛ "خلع سلاح حزب الله و بحران سیاسی در لبنان"، دوره ۴۰، شماره ۱، بهار ۸۹؛ "بررسی نقش و جایگاه سیاست خارجی در نظریه های روابط بین الملل"، دوره ۴۰، شماره ۳، پاییز ۸۹؛ "دیپلماسی عمومی و قدرت نرم: ایران و آمریکا در عراق جدید"، دوره ۴۱، شماره ۳، پاییز ۹۰.